



# برکت قرآن در به کار بستن آن است

**پای صحبت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدیان  
معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی**

طی بیش از یک دهه از اجرایی شدن طرح سامان‌دهی کتاب‌ها و منابع آموزشی و تربیتی رشد، همواره حوزه‌ها و زمینه‌های جدید و بدیعی در این برنامه مورد توجه قرار گرفته است. در آستانه چهاردهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد که برای دومین بار به کتاب‌های قرآنی اختصاص یافته است، به سراغ حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدیان، معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی رفتیم تا پای سخنان وی بنشینیم. استقبال، گشاده‌رویی و آمادگی حجت‌الاسلام دکتر محمدیان، مانند همیشه بود و سخنانش حاوی نکات ارزنده‌ای است که حتماً مورد توجه و استفاده مخاطبان قرآن دوست و فهیم جوانه قرار خواهد گرفت.

بشناسد و به‌جا آورد. آن هنگام این کتاب شریف در زندگی و عمل انسان‌ها مؤثر خواهد بود که آن چنان که خداوند متعال آن را نازل کرده و قصدی که از نزول این کتاب شریف داشته است، که همانا ارسال آن به‌عنوان کتابی برای زندگی هدایت بشر است، بدان نگاه کنیم و در زندگی فردی و اجتماعی خود آن را به‌کار بگیریم. البته که تلاوت و نگاه کردن به قرآن هم موجب خیر و برکت است، اما شأن و جایگاه واقعی و اصیل قرآن خواندن و نگریستن و عمل به دستورات این کتاب آسمانی و یگانه است.

## بزرگان قرآن‌شناس دسترسی به قرآن را تسهیل کنند

لذا اعتقاد من این است که قرآن باید مبنای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نظام‌زیستی ما باشد، به‌همین جهت است که می‌گویم بالاترین درجهٔ مهجوریت قرآن این است که قرآن فعلاً در کشور مبنای برنامه‌ریزی‌های اساسی ما قرار نگرفته است. یعنی مبنای برنامه‌ریزی آموزشی، سیاسی، اقتصادی و دیگر فصول و بناهای اساسی زندگی اجتماعی ما قرآن نیست، چون اگر این برنامه‌ها رنگ و صبغه‌ای از مفاهیم و آموزه‌های قرآنی داشت، نتایج درخشان‌تر و مؤثرتری برای ادارهٔ اجتماع خود می‌گرفتیم. البته صحبت من این نیست که تعمد، عناد و قصدی برای چنین وضعیتی، درخصوص نبودن مبناهای قرآنی، در بین است، نه!

## به قرآن به‌چشم کتاب زندگی و هدایت نگاه کنیم

امیدوارم این جشنوارهٔ قرآنی که پیگیر اجرای آن هستید منشأ خیر و باقیات‌الصالحاتی باشد و برای ما و شما بماند. برکت کار قرآنی و فعالیت‌های مربوط به آن در گرو کاربرد و عمل به دستورات و آموزه‌های قرآنی است، چون اگر ما این آموزه‌ها را به‌کار نبریم و فقط لقلقهٔ زبانمان باشد، اثر آن‌چنانی نخواهد داشت. ما اگر بخواهیم چنان زندگی کنیم که خدا می‌پسندد، و چنان زندگی کنیم که شایستهٔ حیات انسانی باشد، نیازمند زندگی قرآنی، آن‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید، هستیم. قرآن پیش از هر چیزی قانون زندگی است، لذا باید آن را آموخت. قرآن فقط کتاب خواندن برای تبرک جستن نیست، بلکه برکت آن در به‌کار بستن آن است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: اگر قرآن فقط لقلقهٔ زبان شما باشد و آن را به‌کار نبرید، لایزید الظالمین الا خساراً. یعنی جز زیان چیزی بر ما نمی‌افزاید، چون به‌درستی حق و شأن قرآن را به‌جا نیاورده‌ایم. ما با چنین کاری به قرآن ظلم می‌کنیم که یک چیز والا و باارزش و سودمند را در حد تشخیص و نگاه نازل خود پایین می‌کشیم. باز، خداوند در قرآن می‌فرماید کسانی که با قرآن این‌گونه برخورد می‌کنند، نسبت به آن ظلم می‌کنند و دچار زیان و خسران می‌شوند. شفا و برکت قرآن در این است که انسان حق آن را «کما هو حق»

فرصت برای سایر امور و مفاهیم و معانی اختصاص می‌دهیم، بیاییم برای فهم قرآن در نظام زندگی و تعلیم و تربیت خودمان هزینه و سرمایه‌گذاری کنیم.

به نظر من نسل نو و کودکان و نوجوانان در اولویت اول و شایسته‌ترین کسانی هستند که باید در این خصوص مورد توجه قرار گیرند. در نهج البلاغه (نامه ۳۱) امیرالمؤمنین علی (ع) در وصیت به فرزند خود امام حسن مجتبی می‌فرماید: «من تو را تربیت کردم و وقتی به تربیت تو همت گماردم که قلب تو خالی بود و هر بذری که در آن افکنده می‌شد، به خوبی جوانه می‌زد و در آن می‌روفتید.»

و بعد هم می‌فرماید که: «قلب جوانان و کودکان آماده پذیرش بذری است که ما در آن می‌افکنیم.»

یا حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید: «به کودکان خود چند چیز را یاد بدهید، که یکی از آن‌ها قرآن و دیگری محبت است.» پیامبر (ص) خطاب به حضرت علی (ع) می‌فرماید که یکی از وظایف پدران نسبت به فرزندانشان این است که اسم نیکو برای آنان انتخاب کنند، اخلاق نیکو به آنان بیاموزند و قرآن را به آنان تعلیم دهند.

پس معلوم می‌شود که قرآن و آموختن آموزه‌های انسان‌ساز آن جزء محورهای اساسی زندگی مسلمانان است. اگر حاکمیت هم نقش تربیتی ایفا کند و به عنوان پدر تشکیلاتی و معنوی امت حساب بشود، وظیفه حاکمیت اسلامی این است که نسبت به تعلیم و تربیت قرآنی اهتمام بورزد.

از این جهت ما نیازمندیم و به همین خاطر هم هست که در برنامه درسی ملی یک حوزه یادگیری مستقل، با عنوان حوزه قرآن و معارف اسلامی داریم و نگفته‌ایم که مثلاً قرآن را

به صورت تلفیقی در ادبیات فارسی و دروس دیگر بگویید، بلکه خود قرآن و معارف اسلامی حوزه خاص و مستقلی دارد، یعنی اینکه قرآن برای ما مستقلاً موضوعیت دارد. این موضوع در برنامه رسمی آمده است که باید همه ساله آن برنامه رسمی هم مورد تجدیدنظر قرار بگیرد، کاستی‌های آن برطرف و به نقاط قوت آن افزوده شود. اما پشتیبانی برنامه درسی یا توسعه و ترویج فرهنگ قرآنی نیازمند تولیدات محتوایی متناسب با نیازهای متعالی خوداست.

حرف من این است که ما قرآن را درست و اساسی نشناخته و به ظرفیت‌ها و توان و برکت وجودی آن، طوری که شایسته است، آگاه نیستیم تا آن را به تمام و کمال مبنای برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های اساسی، اجتماعی و فردی خود قرار دهیم. وقتی که ارزش و اهمیت امری بر انسان روشن نباشد، به‌طور طبیعی به آن و جایگاه چنین موضوعی توجه نخواهد داشت. در عمل نیز نخواهد توانست از آن وجود و امکان بهره لازم را ببرد. لذا ما باید سعی کنیم که قرآن را در صحنه زندگی مبنای قرار دهیم و قدم اول برای چنین کاری و در صحنه آمدن قرآن این است که کسانی که خودشان را قرآن‌شناس

می‌دانند یا اینکه واقعاً در این منزلت هستند، بتوانند دسترسی به قرآن را تسهیل کنند. قرآن کتابی مقدس و نورانی است که خداوند آن را نازل کرده است. یعنی اینکه آن را از عرش الهی پایین آورده و هم‌سنگ فهم انسانی کرده است، تا انسان‌ها آن را بفهند و از آن استفاده کنند. و لذا بزرگان قرآن‌شناس باید کاری کنند که قرآن در فهم انسان‌ها بگنجد و کسی نگوید قرآن را نمی‌فهمم. یا اصلاً طوری نشود که هراسی در دل انسان‌ها بیندازیم که کسی نزدیک قرآن نشود. چنین نیست، خداوند متعال قرآن را فرستاده است تا ما آن را بفهمیم، تدبر کنیم و به کار بندیم. به همین جهت بزرگان قرآن‌شناس و عالمان

قرآنی باید بیایند و قرآن را در دسترس مردم قرار دهند.

از طرف دیگر هم ما باید دریچه دل‌هایمان را بگشاییم تا قرآن بر آن وارد شود. قرآن خود در این خصوص یک انتقادی دارد و می‌فرماید: افلا يتدبرون فی القرآن ام علی قلوب اغفالها. چرا در قرآن تدبر نمی‌کنید؟ آیا به دل‌هایتان قفل زده‌اند!

یعنی از این طرف هم ما باید برای فهمیدن قرآن دل‌هایمان را باز کنیم و واقعاً آغوش بگشاییم تا قرآن در دل و ذهن و سینه ما وارد شود.

### برای فهمیدن قرآن سرمایه‌گذاری و هزینه کنیم

این همه که برای این کار زمان می‌گذاریم، هزینه می‌کنیم

**دکتر محمدیان: حرف من این است که ما قرآن را درست و اساسی نشناخته و به ظرفیت‌ها و توان و برکت وجودی آن، طوری که شایسته است، آگاه نیستیم تا آن را به تمام و کمال مبنای برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های اساسی، اجتماعی و فردی خود قرار دهیم**



## برای شناخت فضاهای خالی مانده

### باید تخصصی وارد بحث شد

ما در سال‌های گذشته که به سراغ این موضوع رفتیم واقعاً تعداد این‌گونه آثار و تولیدات قابل توجه نبود. اما در سال جاری، با توجه به بررسی‌های به عمل آمده و گزارش‌های کارشناسی، یک تکانی خورده است، اما باز هم تکرار مکررات زیاد داریم و جاهای خالی فراوانی در پازل تربیتی قرآنی وجود دارد.

من اعتقاد دارم که تقسیم‌بندی فعلی هم که کتاب‌ها در دو گروه کلی بزرگسال و کودک و نوجوان مورد بررسی قرار گرفته است، باید فراتر برود و تخصصی‌تر شود. یعنی در خود گروه کودک و نوجوان باید تقسیمات تخصصی‌تر و تفصیلی‌تری داشته باشد و حتی باید نیم‌نگاهی هم به موضوع جنسیت داشته باشیم. موضوع جنسیت در قرآن هم مطرح است و در خصوص آن مطالب زیاد داریم. ضمناً باید نیم‌رخ روان‌شناختی کودک و نوجوان را هم بشناسیم و نسبت به این ویژگی‌های روان‌شناختی که ویژگی‌های مشترک و گاه متفاوتی هستند هم توجه کنیم. ضمناً باید نحوه فعالیت‌های قرآنی را هم در آن ببینیم چون ما در حال حاضر برای موضوع قرآنی بحث‌های آموزشی، تربیتی، مسابقه، سرگرمی و گفت‌وگو را داریم و باید این‌ها را به نوعی در این برنامه‌ها لحاظ کنیم تا بتوانیم این موضوعات را جامع‌الاطراف ببینیم.

اینکه بحث تعلیم و تربیت و داستان‌های قرآنی یا بخش فرهنگی قرآن را جدا کرده‌اید کار خوبی است، اما در آینده می‌توان از این هم تخصصی‌تر وارد بحث شد.

خوب است با این بحثی که پیش آمد، یک توصیه‌ای هم به مجلات رشد خودمان داشته باشیم، چون قرآن ناظر به همه شئون زندگی است، لازم است در کلیه حوزه‌های یاددهی - یادگیری به صورت تلفیقی به آن پرداخته شود. از طرف دیگر باید ببینیم جاهای خالی در حوزه‌های قرآنی چیست؟ یعنی مجلات ما مجلاتی باشند که روی قاعده و نظم و نقشه عمل کنند، اگر مثلاً در حوزه مسابقات قرآنی مجله ما به اطلاعات عمومی قرآنی بیشتر پرداخته است و به بحث تربیتی قرآنی کم پرداخته است، مراقبت و دقت کنیم تا به آن قسمت هم به مقدار لازم پرداخته شود. یا اگر به آموزش‌های معلمان پرداخته شده است، اما به روش‌های آموزشی دانش‌آموزان نپرداخته است، به این موضوع اهتمام بیشتری داشته باشد. اگر به ترجمه و مفاهیم قرآن و روش‌های آموزش پرداخته و به بحث تدبیر و تفسیر کمتر پرداخته است، آن را آن‌طور که شایسته است، جبران کنیم.

## کاستی‌های جشنواره با حضور صاحب‌نظران مورد بحث و

### تبادل نظر و کارشناسی قرار گیرد

مطلب مهم دیگر هم این است که هیئت داوران این جشنواره هم بیاید و بعد از پایان جشنواره سمیناری برگزار کند و از افراد صاحب‌نظر هم دعوت شود و در آن سمینار کاستی‌های جشنواره مورد بحث و تبادل نظر و کارشناسی قرار گیرد، همچنین کاستی‌های حوزه نشر در زمینه کتاب‌ها و آثار قرآنی مورد

کنکاش و مذاقه قرار گیرد تا آن بایسته‌هایی که باید در زمینه توسعه فرهنگ قرآنی اتفاق بیفتد، بدان پرداخته شود.

باید آمارهایی که از این نتایج، یعنی کارشناسی و داوری آثار جشنواره حاصل شده است، ارائه شود و به صورت موضوعی هم تحلیل‌های انجام شده بیان شود تا مشخص شود که چه چیزهایی در حال حاضر ضرورت دارد و احیاناً بدان پرداخته نشده است.

مثلاً مشخص شود که آیا به موضوع سیمای زنان در قرآن پرداخته شده است؟ ما الان ادبیات دختران و بانوان را با فرهنگ دینی به قدر کفایت نداریم و حتی در حوزه داستان هم این کمبود وجود دارد و به قدر کفایت و آن‌گونه که لازم و شایسته این موضوع است به ادبیات دختران و بانوان پرداخته نشده است.

یعنی به گونه‌ای نیست که در این زمینه اشباع شده باشیم تا بتوانیم بگوییم که این مقدار کتاب، نشریه و آثار دیگر برای دختران و بانوان نوجوان و جوان ما تولید شده است. معمول آن در این رمان‌ها است که به عنوان یک پای کار یک نقش زنانه به کسی می‌دهند که آن هم برای پیش بردن قصه است. اما اینکه زن از هویت جنسیتی خودش اظهار رضایت‌مندی کند و به آن ببالد و این‌ها ویژگی‌های زنانه باشد که می‌تواند الگو و اسوه باشد، نیست.

## خداوند متعال قرآن

### را فرستاده است تا

### ما آن را بفهمیم، تدبیر

### کنیم و به کار ببندیم.

### به همین جهت بزرگان

### قرآن‌شناس و عالمان

### قرآنی باید و قرآن را

### در دسترس مردم قرار

### دهند

## به بچه‌هایمان بگوییم که چگونه از قرآن استفاده کنند

در خصوص ادبیات زنان در قرآن نیز جای کار وجود دارد. مثلاً تبیین کنیم شخصیت زنانه‌ای که در قرآن داریم، مربوط به چه کسانی است. این‌ها بعضی اسمشان برده شده است، بعضی‌ها اسمشان برده نشده است، اما با ضمائر مؤنث، قصه و حکایت آنان گفته شده است. این‌ها باید بازسازی عصری و مطابق با زمان حال و مقتضیات موردنظر و موردنیاز مخاطبان شود تا فهم و درک آن برای ایشان آسان‌تر شود. باید کار کرد و دید که مثلاً اگر حضرت مریم و داستان او معاصر سازی شود چه می‌شود. آسیه معاصر سازی شود، چه می‌شود؟ ما امروز، گاهی اوقات از برخی بیوتات و خانواده‌ها گلایه داریم و می‌گوییم که بچه‌های شما و دخترهای شما کذا و کذا. اما با کمی تأمل می‌بینیم که خداوند دو تا پیغمبر را نام می‌برد که همسران این پیغمبران جزء سران شرک هستند.

ما وقتی چنین موضوعاتی را معاصر سازی کنیم، متوجه می‌شویم که مقوله تربیت امر اجباری و قالبی نیست که گمان کنیم اگر کسی پدرش پیغمبر بود او هم یک پیغمبرزاده درست و حسابی خواهد بود.

و حتی قرآن هم (به نوح) می‌گوید او به حساب تو نیست. اِنَّهٗ عَمَلٌ غَیْرٌ صَالِحٌ.

این‌ها را باید از قرآن آموخت و از قرآن بیرون کشید، ادبیات قرآنی، فرهنگ قرآنی و دیگر امور، مسائلی هستند که این سمینار



هر کسی در هر مقام

و سن و سال و شغل

و مرتبتی، از قرآن

سهم دارد و اگر بتواند

متناسب با فهم و ادراک

و توانایی خودش با قرآن

ارتباط برقرار کند، قرآن

با او حرف می‌زند

می‌تواند شناسایی کند و دست‌اندرکاران این حوزه و کارشناسان را بیابید تا مسائل را تحلیل کنند تا بگوییم که می‌خواهیم برای چهار سال آینده این جاهای خالی را پر کنیم.

یک وقت می‌بینید که در زمینه روش آسان‌آموزی قرآن صد کتاب نوشته می‌شود که اگر درست و خوب نوشته شود، یکی از آن‌ها کافی است. این در حالی است که در زمینه فهم و تدبر قرآن دو تا کتاب هم نداریم. این‌ها همان کمبودها و خلأهایی است که باید جبران شود. یا در مورد روش برداشت از قرآن باید به بچه‌هایمان بگوییم که چگونه از قرآن استفاده کنند. باید ببینیم که آیا در این حوزه تولیداتی داریم که کفایت موضوع را بدهد و به محک اعتبارسنجی هم رسیده باشد.

**برای مواجهه با هجمه‌ها، باید حوزه نفوذ**

**قرآنی را گسترش دهیم**

به‌نظر می‌رسد که این جشنواره اگر مستمر و با برنامه باشد و فقط برگزاری جشنواره را تکلیف خود ندانیم، می‌تواند مؤثر باشد و لازم‌هاش این است که حداقل یک قدم از جشنواره‌هایی که هدف آن شناسایی، معرفی و تقدیر است، فراتر بگذارد و تکمیل و ترمیم کارها را هم در دستور کار خود قرار دهد. یعنی ما این موضوع ترمیم و تکمیل کارهای حوزه قرآنی را هم تعقیب و نهایی کنیم. انشالله اگر این کار بشود بسیار کار خوبی است. کار مهم دیگر هم این است که ما باید نیازهای نسل را هم شناسایی کنیم، چون در حال حاضر به هر طرفی که نگاه کنیم دارد فعالیت‌هایی انجام می‌شود و با امواج شدیدی مواجه هستیم که اگر نگوئیم ما را تخریب می‌کنند، به‌عنوان رقیب می‌خواهند بازار را برای ما ناامن و حوزه نفوذ ما را محدود کنند.

راه و چاره کار هم این است که ما بتوانیم حوزه نفوذ قرآنی را گسترش دهیم و لازمه چنین کاری این است که در مورد این مسئله و بهره‌گیری از قرآن در خودمان تغییر نگرش ایجاد کنیم. یعنی نگوئیم که قرآن تنها یک کتاب مقدس است، بلکه بگوییم که قرآن کتاب زندگی است. این موضوع مهمی است که در حال حاضر باید فهم شود و کودک، نوجوان، جوان و بزرگ‌سال ما همگی باید این حس را داشته باشند که اگر این کتاب و راهنمای زندگی را نداشته باشیم، دچار خسارت خواهیم شد. قرآن برنامه زندگی و نقشه راه ماست، راهنمای عمل ماست که واقعاً اگر آن را به‌عنوان راهنمای عمل بفهمیم، بدون استفاده از راهنمایی‌های قرآن، قدم‌از‌قدم برنخواهیم داشت.

**هنر این است که سفره‌آرا، بتواند همه غذاها را در**

**دسترس قرار دهد**

ما اگر قرآن را یک کتاب جانبی و فقط متبرک بدانیم، مثل برخی نماز خواندن‌ها که فقط از روی عادت و روزمرگی است، نتیجه اصلی حاصل نخواهد شد. البته اینکه نگاه کردن به قرآن

و خواندن آن برکت و ارزش دارد به‌جای خودش، اما خود قرآن موضوعیت دارد و لذا باید این کتاب همراه همیشه‌گی ما باشد. یعنی همان‌طور که یک نفر ادیب لغت‌نامه خودش را همراه دارد، یک آدمی هم که می‌خواهد درست و سالم زندگی کند، باید قرآن در دسترس و همراه او باشد و هر روز به قرآن مراجعه کند. این معنا باید به زندگی و همه شئون حیات ما وارد شود و انس با قرآن معنایش همین است.

نباید طوری باشد که فقط در ماه مبارک رمضان قرآن بخوانیم که حداقل کار لازم است. زمانی که امیرالمؤمنین (ع) به ما گفته‌اند که «اگر می‌خواهید جزء غافل‌ها نباشید روزانه حداقل ۵۰ آیه بخوانید»، یعنی اینکه ما باید خودمان را در معرض قرآن قرار دهیم، پس باید از همین موضوع استفاده کنیم و بدانیم که قرآن کتاب غفلت‌زدایی و کتاب هشدار و ترغیب است. یعنی هم بشارت می‌دهد و تهییج می‌کند هم انذار و هشدار می‌دهد.

مسئله قابل توجه این است که متناسب‌سازی این فعالیت‌های قرآنی با فعالان قرآنی است. چون سهم و فهم و بهره یک بچه ۷ ساله از قرآن یک چیز و سهم و بهره یک عالم ۷۰ ساله چیز دیگر است، اما مهم این است که برای هر دو در این مائده آسمانی و قرآن شریف، سهم و بهره‌ای است که باید در حد فهم و ادراک این دو، متناسب‌سازی و در قالب مناسب و جذاب و تأثیرگذار ارائه شود. این سفره الهی برای همگان پهن شده است و برای همه هم سهم و بهره و روزی دارد.

حالا هنر این است که آن کسی که سفره‌آرایی می‌کند، بتواند این غذاها را در دسترس قرار دهد و این‌گونه نباشد که کودک ۷ساله را کنار سفره‌ای بنشانند که غذای متناسب او در آن سفره برایش فراهم و آماده نشده است. هر کسی در هر مقام و سن و سال و شغل و مرتبتی، از قرآن سهم دارد و اگر بتواند متناسب با فهم و ادراک و توانایی خودش با قرآن ارتباط برقرار کند، قرآن با او حرف می‌زند، البته لازم است که تبیین‌گری شود، که روایات ائمه ما تبیین‌گر این آیات آگاهی‌بخش و روشن هستند. بالاخره این عالمان دینی که این معانی بلند را می‌فهمند، باید آن را در دسترس همگان قرار دهند. و اگر چنین شود ما هم می‌توانیم از همین متن ساده‌سازی شده برای دانش‌آموزان محتوا تهیه کنیم و از این ظرفیت عظیم برای اهداف و برنامه‌های درسی خود استفاده نماییم. الان زمانه‌ای است که بازی‌های رایانه‌ای گسترده و متنوعی به‌خصوص برای نوجوانان و جوانان ساخته می‌شود آیا این ظرفیت وجود ندارد که ما با استفاده از داستان‌ها یا متون قرآنی بازی‌هایی بسازیم که برای فرزندان خودمان قابل استفاده باشد؟ به‌نظر می‌رسد که اگر خوب و عمیق در این کتاب آسمانی دقیق شویم، ظرفیت‌های فراوانی دارد که امیدواریم در این جشنواره و در سمیناری که بدان اشاره کردم و یا در دیگر فعالیت‌های مرتبط که انجام می‌شود، بتوانیم به‌گونه‌ای که شایسته این گنج عظیم است، از آن بهره‌برداری کنیم و وظیفه خودمان را تا حد امکان در خصوص کتاب‌ها و آثار قرآنی به‌خوبی انجام دهیم. ان‌شاءالله